



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۶/۲۰

دوکتور محمد اکبر یوسفی

بیچارگی مکتب تاریخی!

فیلسوف، «کارل رایموند پوپر» (متوفی)، کتابی را تحت این عنوان، ("بیچارگی تاریخی") که در زبان آلمانی "Das Elend des Historizismus" نامیده است، نخست در سال ۱۹۶۵م بچاپ رسانیده و چاپ هفتم آن همچنان، در سال ۲۰۰۳م، به طبع رسیده است. "هیستوریزیموس" مفهومی است که، در فلسفه تاریخ، بمثابة رسوباتی استعمال می گردد، که بر طبق آن، جریانات قانونمند علوم اجتماعی، واضح تعیین می گردد، و قابل پیشگویی است. ریشه چنین موضوعی به عقب، تا عصر "مُدرن" در عصر "هیگل" و هم به زمان "ماتریالیسم تاریخی" می رسد. در پهلوی "تئوریسن های" مارکسیستی و مارکسیت های نوین، قبل از همه از "بنیدیتو کروس" (ایتالیوی)، نیز یاد می شود. در آثار تئوری اجتماعی تحریری "کارل پوپر"، "هیستوریزیموس" را یک عقیده غلط خوانده است. "کارل پوپر" که این فرضیه را رد نموده است، معتقد بوده است، که درین عقیده خطر یک طرز دید منعقد بر جهان بسته، متصور است، که بقول "پوپر" با انجام تدابیر و دستکاری های ماهرانه، جریان ثابت تعیین شده ای هم برای آینده، و به ظاهر علمی را، با خود می آورد. (ویکیپدیا)

البته طوری که درین منبع تأکید می گردد، میان اصطلاح "هیستوریزیموس" و هم مفهوم "هیستوریزیموس" (*Historicism*) تفاوت مقید و نسبی قایل اند. بطور نمونه کاربرد مفهوم "هیستوریزیموس" در علوم تاریخ یا در علوم اجتماعی و یا همین "هیستوریزیموس" در تاریخ هنر فرق می کند، که تفصیل درینجا، هدف این نوشته نیست.

این طرز دید در قرن نوزده و بیست بوجود آمده است، که بیشتر در بخش هنر، بکار برده می شده است. (ویکیپدیا)

مؤلف، فرضیه اساسی خودش را در مقدمه کتاب بزبان آلمانی، بطور خلص، چنین بیان می دارد: "که تئوری لزوم تاریخی، خالص ترین خرافات شناخته شده و می ماند، به هر اندازه ای هم که خود را با تبارز علمی جلوگر سازد، بدلیل اینکه انسان جریان تاریخ را نمی تواند منطقی پیشگویی کند." (این فورمولبندی در زمستان ۱۹۲۰/۱۹۱۹ در تحت تأثیر برداشت ها، از جنگ اول جهانی، و اسطوره های کمونیستی انقلاب جهانی قریب الوقوع، صورت پذیرفته است.)

"کارل ریموند پوپر" هم چنان علاوه می کند، که «انتقاد من از علم کاذب، از کذب تاریخی و کرکتر اسطوره مانند، فلسفه های تاریخ، بخصوص از "مارکس" و هم از "شیپنگلر"، ... پس از گذشت سالهای زیاد، به پختگی رسید. در سال ۱۹۳۵ مسوده ها را، بشکلی که تمام افکار اساسی این کتاب را، در بر داشت، تهیه نمودم.»

مقدمه های مؤلف در دو زبان، آلمانی و انگلیسی، که برای چاپ "آلمانی" و "انگلیسی" داشته است و درین چاپ سال ۲۰۰۳م، هر دو متن نشر شده است، تا حدی پروسه اكمال این اثر معرفی شده است. بناءً تصمیم نویسنده بر آن شد، تا اختصار مطالب را، خدمت خوانندگان محترم تقدیم نماید، که اگر احیاناً بزبان خارجی بلدیت نداشته باشند و یا تا این لحظه، این اثر را مطالعه نکرده باشند. قبل از همه حضور خوانندگان محترم بعرض می رسد، که در زبان آلمانی تکیه کلامی وجود دارد که می گویند: "آدم نمی تواند، همه چیز را بداند." مؤلف کتاب، طوری که نام او معروف است، "فیلسوف اتریشی- برتانوی بوده است، که ملکه انگلستان به او لقب ("سر" "Sir")، بخشیده است. آثار علمی او در باره "تیئوری های شناخت" و "تیئوری های علمی"، و هم چنان "فلسفه سیاسی" و "انتقاد از اصالت عقلانی" ، بخصوص "جامعه باز و دشمنان آن" در دو جلد و "بیچارگی تاریخی" و غیره متمرکز بوده، در جهت رد، "میتود" یاد شده، از تحقیقات فزیک و کیهان شناسی (ستاره شناسی) استفاده نموده است.

در مقدمه چاپ انگلیسی می نویسد که: «درین مابین، موفق شده ام، تا "هیستوریسموس" (مکتب تاریخ) را، شدیداً رد نمایم: من نشان داده ام، که برای ما به نسبت دلایل مقید منطقی نا ممکن است، تا جریان آینده تاریخ را با طرق منطقی، پیشگونی کنیم.» (مقدمه: صفحه XIII)

"کارل پوپر" این "ثبوت" خود را، شامل کار تحقیقاتی نشر شده در سال ۱۹۵۰م، تحت عنوان: "تیئوری اختیار آزاد انسانی، در فزیک "کلاسیک" و "فزیک ذروی"، یاد کرده است. بتعقیب آن، بیست سال بعد، از اثر خویش در باره "منطق تحقیقات" نیز نام می برد.

در همین مقدمه، دلایل خود را در رد "هیستوریسموس"، بر این پنج ماده بطور خلص بیان می دارد: «(۱) جریان تاریخ انسانی، با رشد دانش انسانی، قویاً تحت نفوذ قرار می گیرد. (بر حقیقت این شرط اولیه باید، آنانی هم اعترف کنند، که افکار ما را، بشمول مفکوره های علمی، تنها، تولیدات ضمنی (جنبی) یک انکشاف مادی را می بینند.)

(۲) ما نمی توانیم با استدلال و از روی عقل و یا طرق علمی، رشد و نموی آینده شناخت علمی ما را پیشگونی کنیم. (این ادعا می گذارد، تا بکمک تفکر ارائه شده پائینی، بطور منطقی ثابت شود.)

(۳) بنابراین نمی توانیم جریان آینده تاریخ بشریت را پیشگونی نمائیم.

(۴) این بدان معنی است، که ما امکان تیئوریک تاریخ علم را باید نفی کنیم، بدین ترتیب امکان علم اجتماعی تاریخی را، با فزیک نظری و یا با فزیک کیهان (ستاره شناسی) که گویا، در سیستم آفتاب مطابقت داشته بتواند. یک تیئوری علمی انکشاف اجتماعی به عنوان اساس تشخیص تاریخی غیر ممکن است.

(۵) هدف اساسی طریقه "هیستوریسمی" (به قسمت ۱۱ تا ۱۶ کتاب نظر اندازید.) به این دلیل غلط انتخاب شده است و بدین ترتیب "هیستوریسموس" تکذیب گردیده است.»

متعاقباً "کارل پوپر" در همین مقدمه تأکید می ورزد که این رد و تکذیب او از "هیستوریسموس" به هیچ صورت هر نوع امکان تشخیص اجتماعی را مستثنی نمی داند.

